بعث عقول و جهات و بیش می فرستاده ام از فرستادگان پروردگار عالمیان أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ
می رسانم شما را پیغامهای آفریدگار خود و من شما را نصیحت کننده ام راست گوی و بی خیانت أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ
رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْ
كُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ آیا عجب می آید شما را آنکه بیاید بشما پندی یا بیانی از نزدیک پروردگار شما بر زبان مردی از
شما بیم [illegible] نسبت شما که او را [illegible] و شما را [illegible] و سبب [illegible] ذکر بر او که تا بیم کند شما را از عقوبت الهی یاد کنید نعمت
خدای را چون گردانید شما را پس ایشان و ساکنان زمین احقاف از حضرت تا عمان که آن موضعی است از یمن از پس هلاک قوم نوح
و بیفزود شما را در آفرینش و قوتی زیاده داد [illegible] غلبه و گفته اند مراد [illegible] طول قامت است که مقدار کوتاه
قد ایشان [illegible] گز بود و درازترین صد گز بود [illegible] یاد کنید نعمتهای خدای [illegible] که شما رستگار شوید [illegible] شکر نعم الهی سبب رستگاریست قَالُوا
أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ گفتند آن گروه
هود را آیا آمده تا بفرمایی که بپرستیم خدای یگانه را [illegible] و بگذاریم [illegible] آنچه [illegible] پرستیدند پدران ما [illegible]
[illegible] عبادت ایشان [illegible] و [illegible] از عذاب [illegible] وعیدی که [illegible] راست گویی [illegible] نزول عذاب قَالَ قَدْ
وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ
سُلْطَانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۝ گفت هود [illegible] که واجب شد بر شما [illegible] از پروردگار
عذابی و خشمی آیا مجادله میکنید با من در کار این نامهای [illegible] که هر یک را نامی نهاده اید بعضی را ساقیه می گفتند و [illegible]
آن بود که باران ایشان می بارد و بعضی را حافظ [illegible] [illegible] نگاهبان در سفر ایشان [illegible] و همچنین [illegible]
اسما بودند [illegible] [illegible] که [illegible] جدال میکنید [illegible]
جهالت شما نام نهاده اید ایشان را و پدران شما [illegible] خدای [illegible] از عبادت ایشان [illegible]
و شما [illegible] عذاب [illegible] که من نیز با شما از منتظرانم [illegible]
اند که خدای [illegible] سالی باران [illegible] مبتلا شدند [illegible] زمان هر گاه که [illegible] نازل شدی [illegible]
کعبه است [illegible] رجوع [illegible] بعد از عرض حاجات و طلب [illegible] آفات [illegible]
و از مخاوف خلاص یافتندی [illegible] قوم عاد [illegible] سفر نموده [illegible] سعد [illegible] قبیله [illegible]
بن [illegible] بن لاد و بن سام بن نوح [illegible] در آن وقت حاکم مکه بود نزول کردند و بعد از [illegible] ضیافت [illegible]
خواستند که [illegible] طلب باران [illegible] و گفتند [illegible] از رؤسای عاد بود [illegible] ایمان [illegible] که بدعای شما باران [illegible]
هود [illegible] از [illegible] توبه و استغفار [illegible] [illegible] باران رحمت [illegible] معاویه [illegible]
تا [illegible] دعا [illegible] قوم عاد را باران [illegible] ابر [illegible]
یکی سرخ و یکی سیاه [illegible] قبل [illegible] ابر سیاه را اختیار کرد [illegible]
بر آن آمده [illegible] قوم [illegible] نهاد [illegible] بوادی [illegible] ایشان [illegible]

(7)

نام کتاب ترجمة الخواص = تفسیر زواری
مولف متن علی بن حسن زواری محشی
شارح ... مترجم ...
تاریخ تحریر ... نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۲۷
نام کاتب ...
موضوع تفسیر زبان فارسی عدد اوراق ~~۱۲۵~~ ۱۵۴
طول ۲۷ عرض ۲۱٫۵ شماره عمومی ۳۱۵۵۲
وقفی / خریداری مقام معظم رهبری تاریخ وقف بهمن ۸۳
ملاحظات ...

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
اداره مخطوطات

اهدائی [illegible]
۱۴۲۳ شوال المکرم

بعد از منازل خود بیرون آمدند عذاب الهی بر ایشان نازل شده دران ابر ریح عاصف بود که ایشان را با خود برگرفت و در ره نیست شدند

عاد یاران را هلاک کرد و هود با قوم خود سلامت بماندند و حاصل این قصه در ثنای آیات بدین که خبر شد و حکم ما و نجات هود و مؤمنان

و هلاک کافران را خبر میدهد که فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ

دادیم هود را و آنانکه با وی بودند یعنی در دین متابعت او میشدند و آن رهانیدن نجات بخشیدن ایشان بود از مار ایشان و بریدیم بنیاد آنان را که

تکذیب کردند و تکبر ورزیدند نشانهای قدرت ما یعنی ایشان را استیصال کردیم و از بیخ و بنیاد برانداختیم و نبودند قوم عاد گرویدگان بوحدت

معبود و رسالت حضرت وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ

بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ

أَلِيمٌ و فرستادیم بقبیله ثمود و ثمود نام پدر ایشان بود از عرب نسب ایشان ثمود بن عابر بن ارم بن سام بن نوح ع منتهی میشود و مسکن ایشان در میان

حجاز و شام بود ... و ایشان مردم بت پرستیدند حق سبحانه و تعالی صالح را بایشان فرستاد برادر ایشان از روی نسب

که صالح بود ع و هیچ بت پرستیدن گفت صالح جز رسالت بر ایشان ادای کرده بود که پرستید خدای را یکتا نیست شما را معبودی که استحقاق

الوهیت داشته باشد بجز وی قوم ثمود بسبب کثرت عدد و بسیاری مال و توانای جثه تکذیب صالح ع کردند گفتند ما را آیتی بنمای که بران استدلال

کنیم بر رسالت تو صالح فرمود که چه آیت میطلبید گفتند با ما بعیدگاه بیرون آی فردا عید ماست و بتان را آنجا زینت داده جمله خواهیم آورد تو از خدای خود

چیزی درخواه و ما نیز از خدایان خود چیزی درخواهیم اگر دعای هر یک که بمحل اجابت رسد دیگری او را متابعت او باید کرد بر بن صورت قرار دادند روز

دیگر بیرون رفتند و هر نوع حاجتی که از بتان طلبیدند اثر نجاح بظهور نیامد پس خجلت زده و رسوا شده سر ملال در پیش افکندند جندع

بن عمرو که یکی از اشراف قبیله ثمود بود اشارت بسنگی کرد که منفرد در صحرا افتاده بود و او را کاتبه میگفتند و گفت ای صالح برای ما بیرون آر

ناقه عشاری سرخ موی از بن این سنگ صالح ع فرمود که اگر خدای من بقدرت کامله خود که عجز را بدان راه نیست چنین ناقه از این سنگ

بیرون آرد شما چه میکنید گفتند که بتو ایمان آریم و پرستش خدای تو میکنیم و برین شرط سوگند یاد کردند صالح ع دو رکعت نماز گزارد و دعا از حضرت

عزت لطف ارای معجزه طلب نمود فی الحال صخره در حرکت آمد چون زنی که بوقت زادن ناله کند بنالید و بشکافت و ناقه بدان وجه که تعیین کرده بودند

بیرون آمد در غایت بزرگی و فی الحال بزاد بچه مانند خود و در آن حال جندع با گروهی از ... ایمان آورد و بوفاق

اشراف ثمود را ... از آستین استکبار بیرون آوردند ولیکن آن شتر در میان آن قوم بماند و در وزن

میچرید و آب چاهها بطریق نوبت بود و صالح ع بعد از ظهور این معجزه گفت ای قوم بدرستی که آمد بشما معجزه از پروردگار

که دلیل است بر کمال قدرت او و صحت نبوت من این شتر خدایست اضافه از جهت تخصیص است یعنی خدای تعالی بیرون آورده این ناقه را از صخره

تا باشد مر شما را برای آیتی پس بگذارید این ناقه را تا بخورد گیاه در زمین خدای تعالی و شما را در خوردن او هیچ مؤنتی نیست و مرسانید

بوی هیچ بدی که فرو گیرد شما را عذابی دردناک استحقاق عذاب بتو اسطه ضرر ناقه است بلکه باقامت ایشان بر کفر بعد از مشاهده معجزه

دلیل عتو ایشان است در کفر وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا

قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ و یاد کنید نعمت خدای را چون

گردانید شما را جانشینان در زمین از پس هلاک قوم عاد و جای داد شما را در زمین حجر و ایشان در زمینهای نرم کوشکها برای تابستان میکنند

میکنید در کوهها یعنی میسازید در سنگ خانها برای زمستان بتراشید قصرهای خود را از گل در زمین و قصرهای در کوهها بغایت محکم

در زمین هموار خانها پس یاد کنید نعمتهای خدای را و از جواب صالح اعراض نمودند و متعرض او شدند چنانچه میفرماید قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ

اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ

مُؤْمِنُونَ گفتند بزرگان آنانکه سرکشی میکردند از قوم صالح مر آن کسانیرا که از ضعیفان شمرده شده بودند یعنی بیچارگان و آنکسانرا که ایمان

بوده بودند از ضعیفان قوم آیا میدانید که صالح فرستاده شده است از نزد پروردگار او این سخن از سبیل استهزا میگفتند ضعیفان در جواب

گفتند ما بآنچه صالح را بدان فرستاده اند یعنی توحید و عبادت گرویدگانیم قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

گفتند آنانکه سرکشی میکردند از ایمان بخدا و پیغمبر او بتحقیق که بدانچه شما گرویده اید بدان ناگرویدگانیم و منکر آنیم آورده اند که قوم ثمود از

تشنگی آمدند چه روزی که نوبت او بود تمام آب را بیک بار خورد و ایشان شیر او میخوردند و روز دیگر که نوبت قوم بود آب چاهها بجای خود با ایشان

وفا نمیکرد و در تابستان بطن وادی میرفت و انعام قوم از وی هراسان شده ببطن وادی میرفتند و از نیم کرم می بود در زمستان

ببطن وادی میرفت ... ایشان بسیار رنج میبود و ازین جهت ضرر بدیشان میرسید و زنی که انشاء الله

عنیزه و صدوقه ... قصد ناقه کردند چنانچه تفاصیل آن مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی کشتن ناقه سبب نزول عذاب

شد بدیشان چنانچه میفرماید فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ

الْمُرْسَلِينَ پس پی کردند ناقه را و بکشتند او را و سرکشی کردند از امتثال فرمان پروردگار خویش و گفتند از روی استهزا ای صالح بیار

انچیزرا که وعده میکنی ما را بدان از عذاب اگر هستی از فرستادگان خدای تعالی فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ

172

پس فرا گرفت ایشانرا بسبب کشتن ناقه زلزله بعد از شنیدن صیحه غلیظ از فرشتگان پس بامداد کردند یعنی گشتند در سرای خویش

بروی افتاده و کاتبان بر جای مردگان فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَٰكِنْ لَا تُحِبُّونَ

النَّاصِحِينَ پس روی بگردانید صالح ع از ایشان وقتی که ناقه را بکشتند خدای تعالی فرمود که من ثمود را بصیحه جبرئیل علیه السلام و زلزله

هلاک خواهم کرد و گفت ای گروه من بدرستی که رسانیدم بشما پیغام پروردگار من که بادای آن مأمور بودم و نصیحت کردم شما را و لیکن

دوست نمیدارید پیروی میکنید نصیحت کنندگان را که از راه هدایت شما را بایمان خوانند و از اتباع نفس و شیطان منع

کنند وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ و یاد کن لوط بن هاران بن تارخ

بن آزر را که برادرزاده ابراهیم بود ع او آورده اند که چون ابراهیم صلوات الرحمن علیه از بابل متوجه شام شد برادرزاده او یعنی لوط ع

با وی بود خدای تعالی ویرا پیغمبری داده باهل مؤتفکات فرستاد و آن پنج شهر بودند در اردن اعظم سدوم بود و دیگر عاموراء و اداد

و ما بود و صعوداو کوبید صعو در هر شهری چهار صد هزار بار آدمی بودند لوط ع بسدوم آمد و خلق را بخدای تعالی دعوت کرد و بیست

و نه سال در میان ایشان بود و کبر ایشان ... امر منیر بود و از فواحش نهی میفرمود و یکی از فواحش ایشان لواطه بود حق سبحانه و تعالی ...

را از عاقبت ایشان خبر داد و فرمود که ای محمد یاد کن قصه لوط را چه گفت مر قوم خود را اگر لوط ع در میان ایشان بود آمده

بدین عمل زشت یعنی لواطه کسی از ایشان پیشی نگرفت بدین فاحشه یعنی پیش از شما این کار نکردند هیچکس از عالمیان إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ

شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ بدرستی که شما ای قوم می آئید بمردان از روی ارزو برای مباشرت بروی

در صحابان و اهل شبهات و نفسانی باطل و بدع از اهل قبله اند مثل خوارج و نواصب و غیر ذلک از اهل خلاف که
همه عملهای که ایشان با ملت از نماز و روزه و زکوة و حج و ثواب بران متفرع نیست اولئک الذین کفروا
بآیات ربهم و لقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا آنگروه کسی که کرده
شده اما شدند کافر شدند بآیتهای پروردگار خود که قرآنست با دلایل توحید یا اوصیای پیغمبر صلی الله علیه و آله
و لقای ثواب او در آخرت پس تباه شد کارهای ایشان که در صورت نیکو مینمود و بدان جزای خیر نخواهند یافت
پس اقامت نخواهیم کرد برای اعمال ایشان روز رستخیز ترازوی که بدان بسنجد آن عملها را چه همه حبط شده
و نابود گشته با ایشان نیز وزن نخواهیم نهاد یعنی مقداری و اعتباری نخواهند داشت بلکه خوار و مستند لل خواهند بود
ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا و اتخذوا آیاتی و رسلی هزوا آنست کار که گفته شد از
بطلان عمل و کم قدری و بی اعتباری ایشان دوزخ است بسبب آنچه کافر شدند و فرا گرفتند آیتهای کتاب علی بن
ابراهیم رحمه الله گوید یعنی اوصیای رسول را که در کتاب بیان الله و فرستادگان مرا فسوس کرده شده یعنی بانبیا و اوصیا
وی استهزا کردند ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلا خالدین
فیها لا یبغون عنها حولا بدرستی که آنانکه گرویدند بکتاب و رسول و وصی وی و کردند عملهای شایسته
و پسندیده است مر ایشان را در علم خدای تعالی بهشتهای فردوس یعنی بوستانهای مشتمل بر اشجار که اکثر آن تاک
بود چنانکه باشد در بستان آورده که خدای تعالی فردوس بید قدرت خود آفریده و بعد در هر روز از روزهای دنیا
نجاه کرت بدو نظر کرده میفرماید که افزون ساز حسن و جمال و تازگی و نازکی و پاکی خود را از برای دوستان من
و همچنین منزلی را نزل او بستان میگویند یعنی برای ایشان را عطا باشد که نعیم فردوس بازای آن محقر و حقیر باشد
توانند بود و گویند فردوس ارفع درجات جنان است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که فاذا سألتم الله
فاسألوا الفردوس و قولی آنست که اسمی از اسماء جنان است که اهل ایمان در آنجا فرود آیند در حالتی که جاوید باشند
در آن جا بجویند از آن بهشتها بدلی یا نطلبند از و تحویل بمکانی دیگر زیرا که مطالب ایشان در آن مهیا باشد علی بن
ابراهیم رحمه الله نقل میکند از ابی عبد الله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام که آنحضرت فرمود که این آیت در شان ابی ذر و مقداد
و سلمان فارسی و عمار بن یاسر رضوان الله علیهم نازل شده که حق سبحانه و تعالی بهشت فردوس را نزل ایشان
ساخته قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو
جئنا بمثله مددا بگو اگر باشد آب دریای محیط که شامل زمین است سیاهی که بآن چیز نویسند برای
نوشتن سخنان پروردگار من یعنی قرآن یا معلومات او هر آینه فانی گردد آب دریا زیرا که جسم است و هر جسمی متناهی
باشد پس او بنهایت رسد پیش از آنکه بر سد و بماند علوم پروردگار من و آن خواهد بود دایم جهت آنکه غیر
متناهی است پس بمداد متناهی کلمات نامتناهی نوشته نشود و اگر نیز بیاریم مثل دریای محیط مدادی مدد
و افزائیم یعنی او را آخر و غایت نیست گویند این آیت وقتی نازل شد که یهود مسلمانان را گفتند در کلام خود میخوانید

که و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا و زعم حضرت محمد صلی الله علیه و آله آنست که مرا حکمت داده اند پس علم شما
باشد و دیگر باره میخوانید که و ما اوتیتم من العلم الا قلیلا جمع میان این دو سخن چگونه توان کرد حق سبحانه و تعالی در این
آیت فرمود که علم حق تعالی نهایت ندارد هر چند کسی را علم بسیار بود در جنب علم الحق اندک میشود اندبود قل انما انا
بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا
یشرک بعبادة ربه احدا بگو ای محمد بجز این نیست که من آدمی ام مانند شما و دعوی احاطه کلمات الهی
نمیکنم این مقدار هست که بوساطت جبرئیل بما وحی کرده میشود بمن جز این نیست که معبود بحق شما معبودی یگانه است
بی شریک پس هر که امید میدارد در رسیدن بجزای پروردگار خود یا هر که می ترسد از رسیدن بحق یعنی با پرستش
بدو در روز رستخیز پس باید که بلند گرداند عمل شایسته یعنی پسندیده و خدای تعالی آورده که عمل صالح متابعت حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله و سلوک منهاج اهل بیت وی علیهم السلم و روایتست که جندب بن زهیر عامری بحضرت رسول صلی الله
عرض کرد که یا رسول الله من عمل از برای خدای تعالی میکنم اما چون کسی بران مطلع شد خوشدل میگردم آنحضرت فرمود که
خدای تعالی عملی را که غیری را در آن شریک باشد قبول نمیکند حق سبحانه و تعالی تصدیق پیغمبر خود را فرستاد که و باید که بنده
عمل صالح دارد و شریک نیارد و انباز و به نسازد به پرستش پروردگار خود یکی را یعنی بر باد نضیع عمل نکند که ریا و شرک
اصفوست و تباه کند عملها را علی بن ابراهیم رحمه الله در تفسیر آورده که ابو ابی رد روایت کرده از ابی جعفر علیه السلام که آنحضرت
فرمود که از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدند از تفسیر این آیت فرمود که هر که نماز گذارد و زکوة دهد و
روزه دارد و حج و مناسک آن بجای آرد و هر عملی که حق سبحانه و تعالی بآن امر فرموده از برای چشم مردم آن عمل
کند پس او مشرک است و عمل ریایی مقبول درگاه الهی نیست و از ابی عبد الله علیه السلام نقل میکند که آنحضرت فرمود باید که
فرا نگیرند و شریک نسازند با ولادت آل محمد صلی الله علیه و آله غیر ایشان را و عمل صالح دوستی و پیروی ایشانست پس
هر که غیری بولایت ما شریک سازد و بآن امر کند و حق امیر المومنین را علیه الصلوة و السلم منکر شود پس او
شرک آورده بعبادت پروردگار خود زیرا که یکی از مامورات و عبادات الهی دوستی و پیروی ایشان است
با نکه ایشان امامان و اوصیای پیغمبر و اند بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله پس خلاف آن قدح در عبادت
میکند و حکم شرک بران مترتب است و روایت است از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله که هر که این آیه را در
وقت خواب در خوابگاه بخواند او را در آن خوابگاه نوری پیدا شود که درفشان گردد تا مکه و در میان آن
آن نور فرشتگان باشند که صلوات الله فرستند بر و تا از خواب بر خیزد و اگر خوابگاه او در مکه باشد آن
نور درفشان بود از مضجع او تا بیت المعمور و ملایکه در میان آن نور طلب رحمت از حق تعالی کنند برای او
تا از خواب بیدار شود و دیگر فرمود که هر که آن نور طلب رحمت از حق تعالی کنند برای او تا از خواب بیدار
شود و دیگر فرمود که هر که آخر سوره الکهف بخواند سر تا قدم او نور فرو گیرد و اگر همه سوره را بخواند آن نور از و
تا بآسمان رسد صدق الله العظیم و صدق رسوله الکریم و نحن علی ذلک من الشاهدین

325

والحمد لله رب العالمين فرغ
من تحرير ترجمة
المجلد الاول
من كتاب الله
تسبا الختام
سنة
۱۲۴
۱۱
۱
۱